

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۱۱/۲۴

فضایل منحصر به فرد حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کتب اهل سنت (۲)

مجری:

جود و صفاست ریزه خور خوان نعمتش

شأن و حیاست جلوه گر از بوی عنبرش

او را خدای عزوجل داد بر نبی

تا ابتران دهر نخوانند ابترش

عرض سلام و ادب و احترام به محضر همه شما سروران معظم و زائرین و مجاورین و عزاداران حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها).

قبل از اینکه بهره مند شویم از بیانات ارزشمند استاد گرانقدر حضرت حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسینی قزوینی هدیه به پیشگاه مقدسه و منوره حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) صلوات محمدی ختم کنید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی أعدائهم أعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و شهادت جانسوز، مظلومانه و غریبانه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) و همه شیفتگان و دلباختگان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به ویژه شما گرامیان تسلیت و تعزیت می‌گوییم.

خدا را به آبروی این بانوی دو سرا سوگند می‌دهم هرچه سریع‌تر فرج موفور السرور فرزندش حضرت بقیه الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما را از یاران فداکار و سربازان جانباز و شهدای رکابش قرار بدهد با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد (علیهم السلام).

در جلسه گذشته بحثی را پیرامون جایگاه رفیع حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در منابع اهل سنت مطالبی را خدمت شما عزیزان و گرامیان تقدیم کردم.

در جلسه گذشته اشاره کردم که این فضایل، فضایی بی‌نظیر و بی‌بدیل است و این فضایل در حق هیچ یک از صحابه حتی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) هم وارد نشده است.

یکی از مطالبی که عرض شد ماجرای بضعیه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که در منابع دست اول عزیزان اهل سنت همانند «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» این تعبیر با صراحت آمده است:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

فاطمه پاره وجود من است، هرکسی فاطمه را به غضب بیاورد من را به غضب آورده است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١٣٦١، ح ٣٥١٠

در ادامه به منابع این روایات اشاره کردیم، زیرا این برنامه از رسانه‌ها اعم از رسانه ملی و «شبکه جهانی ولایت» پخش می‌شود.

در حقیقت این مطالب در پنج قاره پخش می‌شود و افراد اعم از شیعه و سنی بیننده این برنامه هستند. به همین جهت بر خود لازم می‌بینم که مصادر روایاتی که عرض می‌کنم را به دقت اشاره کرده باشم.

عرض کردم «صحيح مسلم» در جلد چهارم صفحه ١٩٠٣ حدیث ٢٤٤٩ آورده است:

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا»

فاطمه پاره وجود من است، هرآنچه فاطمه را اذیت کند من را اذیت کرده است.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٩٠٣، ح ٢٤٤٩

بعضی از عزیزان عبارت «بَضْعَةٌ مِنِّي» را پاره تن تعبیر کرده‌اند. گرچه تن رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هم شرافتی دارد که بالاتر و والاتر از تن انبیاء و ملائکه است، اما تعبیر «بَضْعَةٌ مِنِّي» به معنای پاره وجود است.

عرض کردم آقای «آلوسی» متوفای ٢٧١ هجری که علمای اهل سنت او را سلفی العقیده نامیده‌اند، به صراحت می‌گوید: "کلمه بضعیه‌ای که در حدیث رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است، موضوع بضیعت و پاره وجود رسول گرامی اسلام بودن جایگاهی است که دست بشر از رسیدن به آن عاجز است."

«إذ البضعية من روح الوجود وسيد كل موجود لا أراها تقابل بشيء؟»

پاره وجود کسی که روح عالم وجود و سید تمام خلایق است، آیا ایشان قابل مقایسه با کسی هستند؟

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسي البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۳، ص ۱۵۵، ح ۲۴

همچنین مطالب دیگری هم عرض شد که یکی از آنها عبارتی از عایشه همسر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که نقل شد: زمانی که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وارد خانه رسول گرامی اسلام می شد،

«إذا دخلت عليه قام إليها فقبلها ورحب بها»

وقتی که حضرت فاطمه زهرا وارد خانه رسول الله می شد، پیغمبر اکرم تمام قد در برابر آن بزرگوار می ایستاد.

«وأخذ بيدها فأجلسها في مجلسه»

دستان حضرت فاطمه زهرا را می گرفت و بوسه بر دستان آن بزرگوار می زد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۷۴، ح ۴۷۵۴

همچنین عرض کردیم که آقای «حاکم نیشابوری» از استوانه های علمی اهل سنت متوفای ۴۰۵ هجری در کتاب

«المستدرک علی الصحیحین» جلد ۳ صفحه ۱۷۴ نقل کرده است.

بنده امشب می‌خواهم مطلبی را به عرایض شب گذشته‌ام اضافه کنم که شاید خیلی از عزیزان ما این تعبیر را نشنیده باشند. در کتب «صحيح بخارى»، «كافى» و «وسائل الشيعه» روايتى وارد شده است كه مى‌گويد:

«يا فاطمة ألا ترَضين أن تكونى سيدة نساء المؤمنين أو سيدة نساء هذه الأمة»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص

٢٣١٧، ح ٥٩٢٨

اما بنده امشب عبارتى را از يكى از علمای بزرگ اهل سنت جناب آقای «ابن مردويه» متوفای ٤١٠ مى‌آورم. ایشان کتابی به نام «فضائل على بن أبى طالب (سلام الله عليه)» دارد كه در این كتاب صفحه ١٧٧ از قول حضرت اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) روايتى نقل کرده است.

در این روايت وارد شده است كه حضرت اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) بر بالای منبر آمد و گفت: من فضائلى از خود بيان مى‌كنم كه كسى غير از من داراى این فضائل نيست.

از جمله فضائلى كه حضرت اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) به آن اشاره كردند، این است كه فرمودند:

«أنا سيد الأوصياء و خاتم الأوصياء»

من سرور تمام اوصياء و انبياء گذشته هستم.

تا جایی كه مى‌فرمایند:

«أنا نكحت سيدة أهل الجنة»

همسر من سرور تمام بهشتیان است.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در این روایت بیان می‌کنند که همسر من نه تنها سرور تمام زنان بهشتی، بلکه سرور تمام بهشتیان است.

همچنین جناب آقای «گنجی شافعی» در کتاب «مطالب السؤل» صفحه ۱۷ همین تعبیر را از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که به «حذیفه یمانی» صاحب سرّ نبی اکرم فرمودند: «حذیفه» الآن ملکی از طرف خداوند عالم نزد من آمد که این ملک برای اولین بار نزد من آمده است و به من بشارت داد که دخترم فاطمه زهرا سرور تمام بهشتیان است.

حال من نمی‌دانم عزیزان مطلب را خوب متوجه شدند، یا نه؟! زمانی که در مورد آن بزرگوار وارد شده است که سرور زنان بهشتی است، نشانگر این است که از تمام زنان بهشتی و أمهات المؤمنین و حضرت خدیجه کبری و حضرت مریم افضل است.

این در حالی است که در این روایت فضیلت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از حضرت خدیجه و عایشه و حضرت مریم نیست، بلکه فضیلت آن بزرگوار از تمام بهشتیان از جمله حضرت آدم و حضرت ابراهیم و حضرت داوود و حضرت عیسی و حضرت موسی بالاتر است.

طبق این روایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بر تمام بهشتیان افضل است. این تعبیر، تعبیر سنگینی است. این تعبیر، تعبیری است که ساعت‌ها باید درباره آن سخن گفت.

این تعبیر، تعبیری خارج از حالت طبیعی نیست؛ زیرا حضرت فاطمه زهرا پاره وجود رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

شیعه و سنی بر این عقیده هستند که رسول گرامی اسلام از تمام انبیاء برتر و افضل است، باید پاره وجود پیغمبر اکرم هم از همه انبیاء و پیامبران افضل باشد.

البته شاید این نکته به ذهن بعضی افراد بیاید که اگر قرار است حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از همه بهشتیان افضل باشد، آیا از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هم افضل است؟! خیر.

بزرگان اهل سنت از جمله «بدر الدین عینی» در کتاب «شرح صحیح بخاری»، «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری»، آقای «قسطانی» در کتاب «ارشاد الساری» می‌گویند: «روایاتی که از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فلانی افضل امت است یا افضل خلائق است، تخصصاً خود گوینده یعنی رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) خارج است.»

این عبارات رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که می‌فرماید: «فلانی افضل امت است»، شامل خود پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نمی‌شود. این‌ها نکاتی بود که دیشب به برخی از آن‌ها اشاره شد.

پیام اصلی فضائل بی نظیر حضرت زهرا (سلام الله علیها)

نکته دیگری که قابل توجه است و نیاز به اهتمام و دقت و فکر دارد، این است که آیا این فضایی که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برای حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نقل می‌کند، آیا به خاطر رابطه ابوت و بنوت است؟!

اگر چنین نیست شاید به خاطر این است که این فضائل پیامی دارد؛ این فضائل برای مسائلی است که در آینده حجت برای همگان تمام شود.

دیشب هم اشاره کردم قطعاً سخنان رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که در میان خلائق، حکیم علی الاطلاق هست، قطعاً بدون حکمت و بدون پیام نیست.

این فضائل بی‌نظیری که برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) نقل می‌شود که حتی برای حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیها) هم نقل نشده، اولین پیامش این است که بعد از رسول گرامی اسلام که جامعه

اسلامی از مسیر رسالت منحرف می‌شود و از خلیفه به حق و منصوب رسول گرامی اسلام رویگردان می‌شود، همانگونه که نبی گرامی اسلام بارها و بارها فرمودند:

«افْتَرَقَتْ عَلَى اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا فِرْقَةً وَاحِدَةً»

بعد از من امت من به ۷۳ فرقه منشعب و متفرق می‌شوند. ۷۲ فرقه اهل جهنم هستند و تنها یک فرقه اهل نجات هستند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۴، ص ۳۴۸، ح ۹

بزرگان اهل سنت این روایت را از غیبتات رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) شمرده‌اند و با سند صحیح در حد متواتر نقل کرده‌اند که برای اولین بار آقای «ترمذی» متوفای ۲۷۹ هجری در کتاب «صحیح» خود جلد چهار صفحه ۱۳۴ و ۱۳۵ با سند صحیح نقل می‌کند.

آقای «ناصر الدین ألبانی» که از او به «بخاری دوران» تعبیر می‌کنند و به قول آقای «بن باز» مفتی اعظم سابق عربستان سعودی می‌گوید: "امام در علم حدیث است!" بر صحت این روایت صحه می‌گذارد و می‌گوید: "روایت «تفرق علی امتی» روایت صحیح و غیر قابل انکار است."

ما می‌بینیم بعد از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) امت به ۷۳ فرقه منشعب می‌شود. آغاز این تفرقه‌ها به تعبیر آقای «شهرستانی» در کتاب «الملل و النحل» از زمان رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) شروع شد.

در قضیه‌ای که نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به «اسامه» دستور داد که برای جنگ با روم حرکت کند. بعضی از صحابه اختلاف کردند؛ عده‌ای گفتند: می‌رویم، عده دیگری گفتند: نمی‌رویم. کار به جایی رسید که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«لعن الله المتخلف عن جيش أسامة»

خدا لعنت کند کسانی را که از سپاه اسامه تخلف می‌کنند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٥، ص ٤٨٦، فصل قال الرفضی

متأسفانه آن‌ها در اردوگاه خارج از مدینه جمع شده بودند و خبرها مرتب از خانه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از جمله وخیم بودن حال رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و حالت احتضار آن بزرگوار مرتباً به آن‌ها داده می‌شد.

کار به جایی رسید که وقتی رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز دوشنبه از دنیا رفتند، تمام کسانی که در سپاه «اسامه» بودند، به مدینه برگشتند.

بعد از ماجرای جای گرفتن خلافت خلیفه اول و کنار زدن حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سپاه اسامه تشکیل شد و برای حرکت با جنگ روم حرکت کرد.

دومین جایی که به تعبیر «شهرستانی» اختلاف میان امت اسلامی ایجاد شد، ماجرای حدیث قرطاس است که خود بحث مفصلی دارد.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در آخرین لحظات زندگی خود درخواست کردند که قلم و کاغذی بیاورید تا چیزی بنویسم که به واسطه آن هرگز گمراه نشوید، اما به تعبیر «صحیح بخاری» به رسول گرامی اسلام نسبت هذیان دادند!!

اگر فرصت داشته باشم همین امشب مطالبی را در خصوص پیام فضایل حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تقدیم شما خواهم کرد.

ماجرای افترا به امت و فرقه فرقه شدن امت به ۷۳ فرقه جمله طلایی از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است. از زمان رحلت رسول گرامی اسلام تا قرن حاضر که ۱۴ قرن می‌گذرد، ثمرات تلخ این تفرقه کاملاً به چشم می‌خورد.

موضوع افترا به امت و تفرقه امت اسلامی موضوعی است که امروز دشمنان اسلام حداکثر بهره‌برداری را از اختلاف میان امت اسلامی می‌برند.

امروزه آمریکا و صهیونیسم در منطقه با استفاده از این تفرقه در سوریه و عراق و یمن و دیگر کشورهای اسلامی مسلمانان را به جان هم انداخته، این فرقه را برای تکفیر فرقه دیگر و آن فرقه را برای تکفیر و قتل فرقه دیگر به کار گرفته است.

آقای «نتانیاها» در ماه رمضان سال گذشته در مجلس صهیونیستی سخنرانی داشت که در آن گفت: "کاری نداشته باشید و بگذارید همدیگر را بکشند. از داعش کشته شود به نفع ما هست، از سنی کشته شود به نفع ماست و از شیعه هم کشته شود به نفع ماست." امروزه مشاهده می‌کنیم که ثمره تلخ افتراق امت کاملاً مشهود است و در طول تاریخ هم وجود داشته است.

بحث اختلاف شیعه و سنی نیست؛ اگر یک روزی اختلاف شیعه و سنی هم تمام شود یا به قول آقایان شیعه‌ای در کره زمین نباشد، آیا این تفرقه میان اهل سنت خاموش شدنی هست؟! هرگز!!

بنده در اینجا مواردی را اشاره کنم برای بعضی از عزیزانی که منادی وحدت هستند. البته به تعبیر «شهید مطهری» ما وحدت را از ضروریات دین می‌دانیم. انکار وحدت امت اسلامی انکار قرآن است.

(وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)

و همگی به وسیله حبل خدا خویشتن را حفظ کنید و متفرق نشوید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۳

بزرگ منادی وحدت در طول تاریخ حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده است که برای ایجاد وحدت فرمودند:

«فَصَبْرٌ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَىٰ وَ فِي الْخَلْقِ شَجَا أَرَىٰ تُرَائِي إِيَّهَا»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۸، خ ۳ و من خطبة له ع و هی المعروفة بالشقشقية و تشتمل على الشكوى من أمر الخلافة ثم ترجيح صبره عنها ثم مبايعة الناس له!

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ۲۵ سال از حق مسلم خود چشم پوشی کرد، درحالی‌که استخوان در گلو و خار در چشم داشت. این قضیه کاملاً مشهود است و اولین قتیل اختلاف امت اسلامی هم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود.

در طول تاریخ دشمنان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بر علیه آن بزرگوار جنگ جمل را به راه انداختند که نتیجه آن ۳۰ هزار کشته از طرفین بود. همچنین جنگ صفین را به راه انداختند که ۱۸ ماه به طول انجامید و صد و ده هزار کشته از طرفین برجای گذاشت.

همچنین برای مقابله با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) جنگ نهروان را به راه انداختند که چهار هزار کشته از طرفین برجای ماند.

عاقبت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان کشته همین اختلافات شدند. با تمام این احوالات بزرگ‌ترین منادی وحدت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده است و در این قضیه هیچ شبهه‌ای نیست.

بحث سر این است که در اینجا اختلاف شیعه و سنی نیست، بلکه اختلاف امت اسلامی است. بنده به چند نکته اشاره می‌کنم که شاید بسیاری از عزیزان آن را نشنیده باشند و یا اینکه کم شنیده باشند و یا به طور مستند نشنیده باشند.

آقای «ذهبی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است و مشهور است که اهل سنت عیال سفره چهار نفر هستند؛ آقای «ذهبی»، آقای «ابن حجر عسقلانی»، آقای «مزی» و آقای «زین الدین عراقی». اگر این چهار نفر را از اهل سنت بگیرند، دیگر چیزی ندارند.

همچنین که «شیخ مفید» و «سید مرتضی» و «شیخ طوسی» از استوانه‌های شیعه هستند و اگر این علما از شیعه گرفته شود، شیعه چیز دیگری ندارد.

آقای «ذهبی» در کتاب «تاریخ الإسلام» جلد ۲۹ صفحه ۳۳۰ از آقای «ابو حاتم رازی» از علمای بزرگ اهل سنت است و از او تعبیر به امام می‌کنند، روایتی را نقل کرده است.

واژه «امام» در اصطلاح اهل سنت همان واژه مرجع تقلید جهان تشیع است که ما به کار می‌بریم و بالاتر از آیت الله العظمی است. «ابو حاتم رازی» که از ائمه اهل سنت است، فتوا داده است:

«مَنْ لَمْ يَكُنْ حَنْبَلِيًّا فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»

هرکسی حنبلی نباشد مسلمان نیست.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام تدمری، ج ۲۹، ص ۳۰۴، باب أحمد بن الحسین بن محمد

این روایت به معنای این است که شافعی‌ها مسلمان نیستند، حنفی‌ها مسلمان نیستند، مالکی‌ها مسلمان نیستند. از طرف دیگر آقای «شافعی» در کتاب «شذرات الذهب» اثر آقای «ابن عماد» جلد ۳ صفحه ۲۵۲ می‌گوید: «أحمد بن حنبل» و تمام حنابله کافر هستند.

مشاهده کنید که بحث شیعه و سنی نیست. همچنین «محمد بن موسی حنفی» می‌گوید:

«لو كان لي أمر لأخذت الجزية من الشافعية»

اگر من قدرت داشته باشم از تمام شافعی‌ها جزیه می‌گیرم.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الكتب العلمية - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۸۲۴۵

این حرف «محمد بن موسی حنفی» به معنای این است که او شافعی‌ها را مسلمان نمی‌داند و معتقد است که آن‌ها اهل کتاب هستند. از طرف دیگر آقای «ابو حاتم بروی» از فقهای شافعی می‌گوید: "اگر من به قدرت برسم، از تمام حنبلی‌ها جزیه می‌گیرم، زیرا حنبلی‌ها مسلمان نیستند."

بنابراین اختلاف شیعه و سنی نیست؛ استعمار در طول تاریخ از این تفرقه حداکثر بهره‌برداری را کرده است.

امروزه ماتریدی‌ها معتقدند که ما مسلمان هستیم، اشعری‌ها مسلمان نیستند. اشعری‌ها معتقدند که ما مسلمان هستیم، ماتریدی‌ها مسلمان نیستند.

همچنین تابعین «احمد بن حنبل» اهل حدیث می‌گویند: "اصلاً مسلمان واقعی ما هستیم؛ معتزله، اشاعره و ماتریدیه همه کافر هستند."

اگر به کتاب «لوامع الأنوار البهیه» جلد اول صفحه ۷۳ مرتب بحث اهل حدیث و اتباع «احمد بن حنبل» که امروزه وهابیت خود را تابع «احمد بن حنبل» می‌دانند، مطرح شده است.

آقای «دکتر طیب» شیخ الأزهر گفت: نه تنها وهابیت حنبلی نیستند، بلکه؛

«هؤلاء نجسوا مذهب أحمد بن حنبل»

وهابیت مذهب احمد بن حنبل را نجس کرده‌اند.

امروزه وهابیت و سلفی‌های جدید خوارج عصر ما هستند. بنده در اینجا به نکته‌ای پردازم؛ «علامه سبکی» یکی از استوانه‌های اهل سنت است. سخنان «شافعی» برای حنابله حجت است، برای احناف حجت است و برای مالکی‌ها هم حجت است. او کتابی به نام «طبقات الشافعیة» دارد که در جلد ۳ صفحه ۱۰۹ پرده را بالا می‌زند و از اختلاف عمیق میان اهل سنت نکات زیبایی را مطرح می‌کند.

واقعاً جای شگفتی است که یک استوانه سنی این چنین بی‌پرده مطالب را مطرح می‌کند. او می‌گوید:

«وقد وقعت فتنة بين الحنفية والشافعية في نيسابور»

در نیشابور که عده‌ای از مردم حنفی و عده‌ای شافعی بودند، اختلاف ایجاد شد.

عزیزان می‌دانند که تا قبل از قرن نهم و دهم حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد ایران سنی بودن و بعد از قرن ۹ یا ۱۰ است که ورق برگشت و اکثریت شیعه شدند.

«أحرقة الأسواق والمدارس»

آقایان حنفی بازار شافعی‌ها را آتش زدند و خانه‌های آن‌ها را ویران کردند.

«و كثر القتل في الشافعية»

عده زیادی از شافعی‌ها را کشتند.

همچنین پس از آن ورق برگشت و شافعی‌ها پیروز شدند. آن‌ها هم عده زیادی از حنفی‌ها را قتل عام کردند. گفتنی است که این اتفاق در سال ۵۵۴ هجری قمری روی داد.

در سال ۷۱۶ در اصفهان بین مذاهب اسلامی اهل سنت از جمله شافعی‌ها و حنفی‌ها اختلاف افتاد. آن‌ها بازار یکدیگر را آتش زدند و خانه‌های یکدیگر را ویران کردند. آن‌ها آنچنان از همدیگر کشتند که آمار کشته‌ها به حد نمی‌رسید.

مشابه این اتفاق در بغداد و دمشق صورت گرفت و کشت و کشتاری میان شافعی‌ها، مالکی‌ها، حنفی‌ها و حنبلی‌ها اتفاق افتاد. آقای «حموی» در کتاب «معجم البلدان» جلد اول صفحه ۲۰۹ می‌گوید: "وقتی که اختلاف میان شافعی‌ها و حنفی‌ها اختلاف افتاد، به قدری جنایت بزرگ بود که اصلاً قلم توانایی نوشتن آن را نداشت.

شافعی‌ها به محله حنفی نشین حمله کردند. خانه‌های آن‌ها را ویران کردند، منازل آن‌ها را آتش زدند، مساجد آن‌ها را ویران کردند. بعد از آن حنفی‌ها به سمت محله شافعی‌ها رفتند و همین اقدامات را علیه آنان انجام دادند."

بنابراین عزیزان دقت کنند که مسئله وحدت میان امت اسلامی به معنای وحدت میان شیعه و سنی نیست، بلکه وحدت میان تمام فرق اسلامی است. عزیزان اهل سنت ما باید بیدار باشند، زیرا امروزه استعمار همانند گذشته میان اهل سنت اختلاف ایجاد می‌کند.

وقتی که «محمد بن عبدالوهاب» روی کار می‌آید، می‌گوید: ما تمام مذاهب اسلامی را کافر می‌دانیم. ما تابعین شافعی را کافر می‌دانیم، تابعین «ابوحنیفه» را کافر می‌دانیم، تابعین «مالک بن انس» را کافر می‌دانیم؛ مسلمان تنها ما هستیم و بس!!

آقای «زینی دحلان» مفتی مکه مکرمه است، در کتاب «فتنة الوهابية» صفحه ۱۹ و همچنین در کتاب «الدرر السنیه فی فتنة الوهابية» جلد اول صفحه ۴۶ می‌گوید: «محمد بن عبدالوهاب» غیر از خود و تابعین خود را مسلمان نمی‌دانست. زمانی که شخصی سنی می‌خواست مسلمان شود، باید چهار شهادت را به زبان می‌آورد: شهادت به وحدانیت خدا، شهادت به رسالت نبی مکرم اسلام، شهادت به اینکه من کافر بودم و با ورودم به وهابیت مسلمان شدم."

هرچه این شخص می‌گفت: من روزی پنج مرتبه نماز می‌خوانم و شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت رسول گرامی اسلام می‌دهم، بارها به مکه رفته‌ام و «لبیک، اللهم لبیک» و «لبیک لا شریک لک لبیک» گفتم؛ آن‌ها می‌گفتند: تو کافر هستی، اما خبر نداری کافری!!

همچنین شخص باید شهادت بدهد پدر و مادرم که از دنیا رفتند، درحالی‌که وهابی نشدند کافر بودند و برای آن‌ها طلب مغفرت نمی‌کنم.

آن‌ها شهادت پنجمی هم اضافه می‌کردند و می‌گفتند: علمای گذشته که وهابی نشدند و مردند، همه در حال کفر مردند و از آن‌ها هم نباید به خوبی یاد کرد. اگر کسی این پنج شهادت را می‌گفت، او را به عنوان مسلمان تلقی می‌کردند. در غیر این صورت به دستور «محمد بن عبدالوهاب» او را می‌کشتند!!

این روایت در کتاب «فتنة الوهابية» صفحه ۱۹ و همچنین در کتاب «الدرر السنية» جلد اول صفحه ۴۶ وارد شده است. غالباً این کتب در اینترنت هم وجود دارد.

«زینی دحلان» متوفای ۱۳۰۵ یا ۱۳۰۶ هجری است. این شخص که حدود ۱۳۰ سال قبل از دنیا رفته است، مفتی مکه مکرمه است و در مهد وهابیت پرورش یافته است. او از هرکسی بیشتر به مرام و عقاید وهابیت آشنایی دارد.

در کلیپ‌هایی که امروزه در فضای مجازی توسط داعش منتشر می‌شود، دیده می‌شود که با تبر گردن یک مسلمان سنی و نه شیعه را می‌زنند، درحالی‌که انسان حتی یک حیوان را جرئت نمی‌کند با این روش بکشد. آن‌ها پس از این اقدام می‌گویند:

«ربنا تقبل منا هذا العمل الخالص لوجهک الکریم»

خدایا این عمل خالص ما را بپذیر.

داعش در همین روز عید قربان کلیپی منتشر کردند که وقتی این کلیپ را مشاهده کردم، تمام وجودم آتش گرفت و چندین هفته آرامش خود را از دست دادم.

آن‌ها حدود ۲۵ نفر از جوانان شیعه را در روز عید قربان آوردند، آن‌ها را خواباندند و همانند گوسفند سر از بدنشان جدا کردند. خون‌های آن‌ها همانند خون گوسفند فواره می‌زد. آن‌ها سپس همانند قصاب‌ها آهنی

گذاشته بودند، آن‌ها را با زنجیر بالا می‌کشیدند و پوست بدنشان را می‌کندند همانند اینکه پوست بدن یک حیوان را می‌کنند!!!

آن‌ها در نهایت می‌گویند: "خدایا قربانی‌های روز عید قربان را از ما بپذیر." آن‌ها در ادامه خطاب به داعشی‌ها می‌گویند: "خدا این قربانی‌ها را از شما بپذیرد."

والله العلی الأعلی کارهایی که وهابیت امروزه انجام می‌دهند، وحشی‌ترین ارتش دنیا چنین کاری را مرتکب نشده است. ارتش صهیونیسم جنایتی همانند جنایت امروز وهابیت در منطقه مرتکب نشده است.

دوستان عزیز بدانید بالاترین دردی که وهابیت دارد، این است که در میان همه کشورهای اسلامی و غیر اسلامی ایران کشوری امن است. این مسئله بالاترین درد وهابیت است!!

آن‌ها دارند از غصه می‌میرند که چرا کشورهای اسلامی حتی عربستان سعودی برای مردم امن نیست. من بارها به کشورهای اروپایی سفر کرده‌ام، خدا می‌داند که مردم در آنجا احساس امنیت نمی‌کنند.

امروز مردم در آمریکا احساس امنیت نمی‌کنند. زمانی که شخصی صبح بیرون می‌رود، نمی‌داند که ظهر یا شب به منزل باز می‌گردد یا نه. این در حالی است که ایران تنها کشور روی کره زمین است که بالاترین درجه امنیت را دارد.

از تمام دست اندرکارانی که برای امنیت کشور تلاش می‌کنند، از جمله سربازان گمنام حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از همگی تشکر می‌کنیم؛ اما می‌دانیم که این امنیت محصول عنایت ویژه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است.

من بارها در شبکه‌های مختلف از جمله «شبکه المستقله» که شبکه‌ای وهابی است و من سه شب به دستور آقایان مراجع عظام تقلید در آنجا مناظره داشتم، اعلام کردم: "ایران در ایام فاطمیه خود را بیمه یک ساله می‌کند!!"

ایران تنها کشوری است که مراسم عزاداری فاطمیه، بزرگداشت شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)، راهپیمایی‌ها و مراسم بیوتات مراجع از رسانه‌ها رسماً منتشر می‌شود. والله عزاداری‌های فاطمیه و همچنین عزاداری‌های محرم و صفر ملت و کشور ایران را بیمه می‌کند.

مشاهده کنید که حتی در عربستان سعودی تروریست‌ها جنایاتی مرتکب می‌شوند که مردم آنجا آرام نیستند. در حالی که تروریست‌ها یکی پس از دیگری در دام عزیزان اطلاعات و امنیت ما گرفتار می‌شوند.

این مسائل همگی امداد غیبی و عنایت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. اجازه بدهید امشب روضه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را از زبان یکی از علمای اهل سنت بخوانم.

مصیبت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از منابع شیعه بارها توسط عزیزان روحانی بیان شده است و شما شنیده‌اید، اما مصیبت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از زبان علمای اهل سنت کمتر شنیده شده است.

در محضر بی‌بی دو سرا حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) ران ملخی به پیشگاه سلیمان هستی عرض کنم.

آقای «موفق الدین مکی» بزرگ سخنور اهل سنت است که از او به «خطیب خوارزم» و «أخطب الخواطب» تعبیر می‌کنند و «ذهبی» و دیگران مدح و ثنای زیادی در مورد او بیان کرده‌اند.

ایشان کتابی به نام «مقتل الحسین» دارد؛ در این کتاب صفحه ۸۵ قضایایی نسبت به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نقل شده است. اجازه بدهید من بعضی از تعبیر ایشان را عیناً برای شما قرائت کنم. روایت از «ابن عباس» است؛ او می‌گوید:

"حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) احساس کرد لحظات آخر عمرش سپری می‌شود و روزهای دیدارش با رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فراهم می‌شود و لحظات جدایی از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و بچه‌ها می‌رسد."

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دست حسن و حسین (علیهم السلام) را گرفت و در کنار قبر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد، بین منبر و قبر دو رکعت نماز خواندند؛

«ثم ذمته ما الی صدرها و التزمتها»

در کنار قبر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) حسن و حسین (علیهم السلام) را در آغوش گرفت، آن‌ها را بوسه باران کرد و برای آخرین بار نگاه حسرت به حسن و حسین (علیهم السلام) انداخت و قطرات اشک از دیده مبارکشان جاری است.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمودند: حسن جان، حسین جان! در این مسجد کنار قبر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آرام بگیرید، پدرتان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیها) هم در این مسجد مشغول نماز است. من به منزل می‌روم، بعد شما خانه بیایید.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌خواهند حسن و حسین لحظه جان دادنشان را تماشا نکنند. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به منزل آمد و «أسماء بنت عمیس» را صدا کردند و فرمودند:

«ای اسماء!» من می‌خواهم با تو عهد و پیمانی ببندم. من داخل این حجره مشغول نماز می‌شوم، بعد از یک ساعتی مرا صدا کن اگر جوابی نشنیدی کسی را بفرست تا پسرعمویم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حسن و حسین را به اینجا بیاورد.

«اسماء بنت عمیس» می‌گوید: حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داخل اتاق مشغول راز و نیاز شد تا اینکه دیدم دیگر صدای تسبیح و نماز حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نمی‌آید.

وقتی که داخل اتاق شدم، دیدم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در سجده است. صدا زدم: یا فاطمة الزهراء! اما جوابی نشنیدم. صدا زدم: ای دختر پیغمبر اکرم! اما جوابی نشنیدم. صدا زدم: ای مادر حسن و حسین! اما جوابی نیامد.

فریاد زدم و گفتم: خدایا من چگونه به دو نازدانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خبر شهادت مادرشان را بدهم. در این هنگام بود که دیدم حسن و حسین (علیهم السلام) وارد خانه شدند و فرمودند: «أسماء» مادرمان کجاست؟!

من گفتم: عزیزان زهرا مادرتان جان به جان آفرین تسلیم کرده است، بروید و پدرتان را صدا بزنید.

این سخن یک شخص سنی است که این مطالب را نقل می‌کند. او می‌گوید: امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) به مسجد آمدند، درحالی‌که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مشغول نماز بود.

صدای گریه و ناله آن بزرگواران بلند شد، سپس حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: حسن جان، حسین جان! چرا گریه می‌کنید؟! آن بزرگواران فرمودند: بابا مادرمان از دست رفت.

وقتی که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خبر شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را شنید، افتاد و غش کرد. اطرافیان بر صورت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آب ریختند و آن بزرگوار را به هوش آوردند.

من نمی‌دانم آمدن آن بزرگواران به منزل چگونه بود، اما فرمودند:

گل نورسته ما را چیدند

سفره زندگی‌ام برچیدند

شب تاریک شود منزل من

عوض شمع بسوزد دل من

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شب‌ها مشاهده می‌کردند که امام حسن (علیه السلام) در گوشه‌ای گریه می‌کند و امام حسین (علیه السلام) در گوشه دیگری گریه می‌کند، حضرت زینب و أم کلثوم هم در گوشه دیگری گریه می‌کنند.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هرچه می‌خواست این بچه‌ها را آرام کند، آن‌ها آرام نمی‌شدند. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سر خود را در گوشه دیگری به دیوار می‌گذاشتند و صدا می‌زدند: زهرا جان! بیا و فرزندان خود را آرام کن.

على لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

خدایا به آبروی حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) فرج مولای ما امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نزدیک بگردان، همه ما را از یاران آن بزرگوار قرار بده، انقلاب ما را به انقلاب جهانی آن بزرگوار متصل بفرما.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته